

دعا از سه منظر^{***}

سام دی گیل

حمید بخشنده

اشاره

دعا یکی از جنبه‌های مهم و مشترک ادیان است که نمایان‌گر احساسات و طرز تلقی آدمی نسبت به موجود یا موجودات الوهی و مجرد است. امروزه مطالعات عمومی درباره‌ی دعا هنوز ابتدایی و خام است. تمایز سه‌گانه دعا به عنوان «متن»، «عمل» و «موضوع» راه را برای مطالعه عمومی درباره‌ی دعا باز کرده، می‌تواند سودمند افتد. دعا به عنوان متن، مجموعه‌ای از کلماتی است که بشر به واسطه‌ی آنها با یک ذات مجرد ارتباط برقرار می‌کند، مانند دعای خداوند در مسیحیت و دعا‌های نماز در اسلام. دعا به عنوان عمل نه تنها دربردارنده کلمات ابراز شده است بلکه شامل برخی عناصر انجام یک کنش گفتاری نیز است؛ هنگامی که دعا به عنوان عمل در نظر گرفته می‌شود، باید میان دعای شخصی و دعای مناسکی فرق گذاشته شود. دعا به عنوان موضوع جنبه‌ای از دین است که تبیین ماهیت آن آموزه‌ها، دستورالعمل‌ها یا الاهیات‌های دینی را روشن می‌سازد؛ این بُعد از دعا را می‌توان فرانیایش نامید. مقاله حاضر به بررسی و بسط دعا در سه محور پیش‌گفته می‌پردازد.

***. مشخصات کتاب‌شناختی این اثر چنین است:

دعا که رابطه بشر با موجودات الوهی و مجرد تلقی می‌شود، در بیشتر ادیان در طول تاریخ بشر حضور داشته است. دعا از نظر اکثر ادیان، ضرورت وضعیت بشر است. هنگامی که جهان مادی بشر با آفرینشی تبیین می‌شود که منجر به گسستگی یا جدایی از جهان الوهی یا مجرد می‌شود، دعا ابزاری است که به واسطه آن این گسست ولو فقط برای یک لحظه، از میان برداشته می‌شود.

متون فراوانی از این ارتباط‌ها و نیز آثار بسیاری درباره آنها وجود دارد. با این وجود، بررسی جامع دعا هنوز در مرحله ابتدایی و خام است. مسئله جهان‌شمولی دعا هنوز هم باید به طور جدی همراه با موضوعات مربوطه مورد توجه قرار گیرد. بررسی دقیق تطبیقی و ریشه‌شناختی واژگانی که کنش‌های ارتباط معنوی بشر را مشخص می‌سازد، حتی باید در میان سنت‌های دینی گسترده و معروف نیز انجام شود. بررسی‌ها در باره دعا برحسب نظریه‌های جدید ارتباطات و نشانه‌شناسی^۱ محدود و کمیابند. این نظریه‌ها و نیز دریافت‌های شهودی از دعا به شدت متأثر از سنت‌های دینی غربی بوده است.

در بررسی زیر از گونه‌شناسی‌ها، نظریه‌ها، و مسائل تفسیری پدیده‌های دعا، طرحی کلی ارائه خواهد شد. اولاً، دعا به‌عنوان متن ملاحظه خواهد شد، یعنی، به‌عنوان مجموعه‌ای از کلمات که برای ارتباط بشری با یک ذات مجرد، به هم پیوسته‌اند. ثانیاً، دعا به‌عنوان عمل در نظر گرفته خواهد شد، یعنی، عملی بشری که باعث ارتباط آدمی با ذوات الوهی می‌گردد و تنها یا منحصراً دربردارنده زبان نیست بلکه شامل اجزای آن عمل نیز است. بالاخره، دعا به‌عنوان موضوع در نظر گرفته خواهد شد، یعنی، به‌عنوان بُعد یا جنبه‌ای از دین که تبیین ماهیت آن موجب روشن شدن باورها، تعالیم، دستورات عملی، فلسفه یا الاهیات [آن دین] است.

دعا به عنوان متن

دعا در شایع‌ترین تصور عبارت است از کلمات و نصوص ویژه‌ای که به مدد آن آدمی با ذات الوهی ارتباطی معنوی برقرار می‌کند مانند دعای خداوند (در مسیحیت)، قدیش^۲ (در یهودیت)، و دعا‌های نماز (در اسلام). تعداد زیادی از دعاها در کتاب‌های دعا،

عبادت‌نامه‌ها، کتب مبین مناسک و مراسم عبادی، قوم‌نگاری‌های راجع به اقوامی که صرفاً سنت شفاهی دارند و زندگی‌نامه‌های شخصیت‌های دینی آمده است.

امروزه گونه‌شناسی دعا بر حسب خصیصه‌ها و غرض جداگانه دعاها مشخص می‌گردد که در نصوص دعا نمود می‌یابند. این نوع از گونه‌شناسی شامل چند دسته است، که همه آنها را می‌توان با عناوین توصیفی^۱ به آسانی مشخص ساخت. این دعاها عبارتند از: حاجت،^۲ استغاثه،^۳ شکرگزاری (ثنا یا ستایش)،^۴ وقف،^۵ توسل^۶، شفاعت،^۷ اعتراف،^۸ توبه،^۹ و دعای برکت.^{۱۰} انواع مزبور ممکن است دعا‌های کاملی را شکل دهند یا ممکن است پشت هم آورده شوند و دعایی با ساختار پیچیده‌تر را شکل دهند.

این نوع گونه‌شناسی برای نشان دادن گستره پدیده دعا مفید است و می‌توان آن را به‌عنوان شیوه‌ای در مطالعه تطبیقی ادیان به کار برد و نشانگر آن است که دعا پدیده‌ای بوده و شیوع و تنوع دارد. وسیع‌ترین کاربرد این نوع گونه‌شناسی در مطالعاتی بوده است که عمدتاً در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم راجع به تحول ادیان در گذر زمان صورت گرفته است. تصور بر این بود که دعا‌های متضمرانه^{۱۱} گسترده‌ترین دعاها و بدین‌سان کهن‌ترین شکل دعا هستند. نیز اعتقاد بر این بود که به مرور زمان حضور علائق قومی، اخلاقی و مذهبی در دعا‌های تضرع‌آمیز بعدها پدید آمده است. البته این پدیده تحولی فراتر از نیازهای صرفاً شخصی و مادی آدمی بود. اگرچه این جنبه‌ها دیگر در مطالعه ادیان اهمیت ندارند یا چندان مورد توجه نیستند، اما این گونه‌شناسی محتوایی هنوز هم در توصیف و توضیح دعا اهمیت اساسی دارد.

ای. بی. تیلور^{۱۲} در پژوهش انسان‌شناختی کلاسیک اولیه خود، فرهنگ بدوی^{۱۳} (۱۸۷۳)، نوعی ویژگی روان‌شناختی و معنوی را به دعا نسبت داده است. وی دعا را «گرایش عمیق روح، خواه ابراز شود خواه ابراز نشود» و «خطاب روح انسان به روح انسانوار» دانست. فریدریش هایلر^{۱۴} در دعا: پژوهشی درباره تاریخ و روان‌شناسی دین^{۱۵}

- | | |
|--|---------------------------------------|
| 1. descriptive designations | 2. petition |
| 3. invocation | 4. thanksgiving (praise or adoration) |
| 5. dedication | 6. supplication |
| 7. intercession | 8. confession |
| 9. penitence | 10. benediction |
| 11. petitionary prayers | 12. E. B. Taylor |
| 13. <i>Primitive Culture</i> | 14. Friedrich Heiler |
| 15. <i>Prayer: A Study in the History and Psychology of Religion</i> | |

(۱۹۳۲)، که چه بسا گسترده‌ترین بررسی تطبیقی دعا باشد، هنگامی که به توصیف دعا می‌پردازد، با استفاده از تصویرپردازی کتاب مقدس عبرانی، آن را تا حد زیادی هماهنگشودن سفره دل خود در پیشگاه خدا دانست. بدین ترتیب، دعا در هر دو تعریف کلاسیک مزبور، بی‌تکلف و خودجوش، یعنی، صمیمانه توصیف شده است. این توصیف هنوز هم به‌طور گسترده مورد قبول است و عمدتاً آن قدر واضح است که بحث نقادانه غیرضروری است. اما هنگامی که تلقی دعا به‌عنوان «ارتباط زنده»، آزادانه و خودجوش «انسان با خدا» (هایلر) به محدودسازی کلی دعا به نوع متنی پیوند می‌یابد عدم سازگاری، درهم‌ریختگی و تنگنا پدید می‌آید.

متون دعا، کم و بیش بدون استثناء و تا حدی به‌عنوان بخشی از ویژگی‌های خود، با صورت کلیشه‌ای، تکراری و دارای ویژگی ایستا هستند و به میزان زیادی با ویژگی‌های آزادانه و خودجوش مورد انتظار از دعا در تضادند. تیلور، که در بررسی اش درباره فرهنگ و دین به گردآوری اسناد تحوّل تدریجی فرهنگ اهتمام ورزید، به‌خصوص این نکته را خلط کرده است. نظریه وی مقتضی آن است که دین در زمره جادو قرار داشته باشد و لذا در زمره وردها و دستورات عمل‌های جادویی قرار می‌گیرد. با این حال، فراوانی انواع دعا‌های مراسم عبادی^۱ و اندیشه‌ورزانه در فرهنگ‌هایی که به نظر وی بیش‌ترین توسعه را یافته‌اند، نظریه وی را باطل می‌کند. تیلور این تنگنا را تنها با این سخن می‌تواند برطرف کند که دعا «در ابتدا همچون درخواست از یک اسقف یا رهبر زنده بیاناتی بی‌تکلف و انعطاف‌پذیر بود، که به دستورات عمل‌های سنتی^۲ انعطاف‌ناپذیری تبدیل شدند که تکرار آنها نیازمند دقت لفظی است و ماهیت آن عملاً، کم‌وبیش شبیه به ماهیت جادو شده است» (تیلور، ج ۲، ص ۳۷۱). بدین سان اعتقاد بر این بود که آن ویژگی‌های ساختاری از دعا که در تعارض با توقعات ما از دعاست، برخاسته از رشد و توسعه فرهنگ بشری است.

همین نکته هایلر را دچار اشتباه کرده است. وی معتقد بود که در واقع برای نیل به تهذیب، تعلیم، و تأثیرگذاری بر اشخاص در خصوص مسائل اعتقادی، ایمان و سنت، متون دعا کم و بیش به‌طور تصنعی تنظیم شده‌اند. بنابراین با توجه به این‌که هایلر منبع اصلی داده‌های خود را در بررسی دعا ناچیز شمرد، پژوهش وی از همان ابتدا اقدامی

1. liturgical prayer

2. traditional formulas

شکست خورده بود و این امر موجب شد وی حسرت زده منتظر فرصت کمیابی باشد تا پنهانی به کسی که سفره دل خود را برای خدا می‌گشاید، گوش فرادهد. تمایل هایلر به سرشت روان‌شناختی دعا همراه با ناتوانی وی در ایجاد هرگونه تمایز روشن و سودمندی میان دعا به‌عنوان متن دعا و دعا به‌عنوان عمل، پژوهش وی را در باره دعا در وضعی غیرثمربخش قرار داد، وضعیتی که به‌طور کلی پژوهش آکادمیک در باره دعا را، به ویژه در فراسوی سنت‌های خاص دعا، با دلسردی مواجه ساخته است.

با توجه به ماهیت مطالب در دسترس اساساً - اگر نگوییم صرفاً - باید دعاها را عمدتاً متونی لحاظ کرد که در بررسی آنها به جنبه‌های معنایی، آگاهی بخشی و ادبی زبان که سازنده دعاها هستند، اکتفا شده است. به رغم این محدودیت‌ها، متون دعا نمایانگر ابعاد الاهیاتی، آموزه‌ای، فرهنگی، تاریخی، زیبایی‌شناختی و اعتقادی فرهنگ دینی هستند.

دعا به‌عنوان عمل

دعا برحسب دریافت درونی، یک ارتباط است. دعا در شایع‌ترین کارکرد، کنش‌گفتاری^۱ است. برای آن که بتوان دعا را برحسب هویت دعاکنندگان، مناسبت‌های دعا، انگیزه‌های دعا و امور فیزیکی توصیف‌پذیر از قبیل اعمال دست و بدن طبقه‌بندی و ترسیم کرد، دعا به‌عنوان عمل در نظر گرفته شده است، که نه تنها در بردارنده کلمات ابراز شده است بلکه شامل برخی عناصر انجام کنش‌گفتاری نیز هست. این طبقه‌بندی‌ها عمدتاً توصیفی و به جنبه‌های نهادینه و روان‌شناختی آن توجه شده است.

هنگامی که دعا به‌عنوان عمل در نظر گرفته می‌شود، میان دعای شخصی و دعای مناسکی^۲ تفاوت گذاشته می‌شود. بسیاری از اندیشمندان دعای شخصی را، که گشودن سفره دل نزد خداست، صحیح‌ترین شکل، و حتی تنها شکل صحیح دعا می‌دانند. با این حال، یافته‌های موجود برای بررسی دعای شخصی، اندک است. همچنین، متن دعا‌های شخصی یافت شده در نامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها، و خاطرات حاکی از ارتباط و پیوند عمیق دعای شخصی با دعای مناسکی و مراسم عبادی در زبان، شکل، سبک و طرز نگرش عینی است. کسی که به صورت فردی دعا می‌کند همواره در سنت دینی و فرهنگی‌ای پرورش یافته است که در آن، دعای مناسکی یا همگانی اجرا می‌گردد.

دعای مناسبی، در اثر عدم تطبیق با مفاهیم ساده دعای خودجوش و بدون تکلف، اغلب نادیده گرفته شده است. این برداشت هایلر نادرست نیست که هدف از ایجاد دعای مناسبی عبارت است از تهذیب، تعلیم و تأثیرگذاری بر افراد در اصول اعتقادی، ایمان و سنت؛ اما برداشتی ناقص است. در عین حال، هایلر با کوچک شمردن کارکردهای مهم فوق‌اساساً برداشت خود و، به تبع، بسیاری دیگر را مُثله کرده است. این جنبه‌های دعا را باید برای استمرار سنت و فرهنگ و انتقال آن دو حائز اهمیت و غالباً ضروری قلمداد کرد. ویژگی‌های کلیشه‌ای، تکراری، و یکدست دعا، با قابلیت تحقق این کارکردهای مهم، به لحاظ تعلیم و تربیت و فرهنگ‌سازی^۱، کارآمد هستند.

افزون بر این، و به‌طور اساسی می‌توان نشان داد که گرچه دعاها دارای پیام کلیشه‌ای، تکراری و غیرضروری‌اند، اما می‌توانند برخوردار از ارتباطی راستین و حتی صمیمانه باشند. دامنه پژوهش‌ها درباره زبان در سال‌های اخیر نشان‌دهنده قدرت تأثیرگذاری زبان و کنش‌های گفتاری^۲ است. به بیان ساده، این پژوهش‌ها روشن ساخته است که تکلم و انواع دیگر عمل انسانی نه تنها اموری را بیان می‌کنند، یعنی اطلاعاتی را منتقل می‌کنند، بلکه نقش‌هایی را نیز ایفا می‌کنند. افعال زبانی عادی ممکن است ترغیب، نام‌گذاری، التزام، وعده، اعلان، تأیید و غیره باشد؛ و این کارکردها اغلب مهم‌تر از کارکرد انتقال اطلاعات هستند.

مطالعه درباره دعا هنوز هم به‌طور گسترده تحت تأثیر برداشت مزبور از قدرت تأثیرگذاری زبان بوده، و این نکته‌ای بجا است. اما از این دیدگاه، ابعاد مختلف عمل دعا را قطع نظر از ارتباط صمیمانه با خدا می‌توان به‌طور کامل‌تر بررسی کرد. به‌عنوان مثال، دعای استغاثه، چنانچه در زمینه مناسبی مناسب ادا شود، از طریق شکل و محتوای خود به دگرگون‌سازی حالت عبادت‌کنندگان کمک می‌کند. این دعا، حال و هوا و طرز تلقی از عبادت را عوض می‌کند و آواز مذهبی را در ذهن عبادت‌کنندگان زنده می‌کند. همچنین، دعای برکت موجب آسودگی عبادت‌کنندگان از حوزه مناسبی می‌شود. این دعا جهت‌گیری مجددی را که در شعائر بدست آمده، به عرصه زندگی گسترش می‌دهد و در عین حال، افراد را از محدودیت‌های ناشی از شعائر خلاص می‌سازد. دعاها

1. enculturate

2. speech acts

ستایش خدا، توجه دعاکنندگان را به صفات جمالیة الاهی^۱ که مؤلفه‌های تشکیل دهنده و نشان‌دهنده آموزه خدا هستند، معطوف می‌دارند در حالی که دعاهاى اعتراف و توبه، دعاکنندگان را متوجه ویژگی‌های منفی بشر می‌کنند و آنها آموزه گناه نوع بشر را تحقق می‌بخشند و می‌نمایانند. تجربه احساسی^۲ و ویژگی‌های عاطفی^۳ این دعاها دقیقاً برحسب نوع آنها تفاوت دارند. این تفاوت حتی هنگامی که دعاها به صورت کلیشه‌ای و عاری از انگیزه‌هایی است که مستقیماً از نیازهای فردی پدید می‌آیند، وجود دارند. دعاهاى ستایش خدا و شکرگزاری، شاد، نشاط‌بخش و حرکت‌آفرین هستند؛ در حالی که دعاهاى اعتراف و توبه، درون‌نگرانه و اندوهناک هستند. ویژگی کلیشه‌ای نیایش‌های عبادی مقتضی نوعی مشارکت است و این مشارکت از طریق ایجاد چارچوبی از انتظارات، یعنی انگاره‌ای آشنا و مانوس صورت می‌گیرد.

مطالعات در خصوص قدرت کارکردی^۴ زبان حاکی از آن است که این ظرفیت‌های بازی زبان، مبتنی بر قرارداد، معمول و معتبر، و معمولاً مستلزم عمل فیزیکی و نیز ابراز کلمات مناسب است. به عبارت دیگر، عمل نیایش برای آن‌که مؤثر، راستین و توان‌بخش باشد، نه تنها متضمن بیان کلمات است، بلکه در بردارنده دخالت فعال عناصری از آن فضای تاریخی، فرهنگی و شخصی است که دعا در آن اظهار می‌شود. نیایش ممکن است شامل حالت‌ها و جهت‌گیری‌های بدنی خاص، اعمال و اهداف مناسکی، ساخت‌های معماری یا محیط‌های فیزیکی معین، اوقات خاصی از روز یا زمان‌های خاصی از سال، و روحیه‌ها، نگرش‌ها یا نیت‌های مشخص باشد. به‌عنوان مثال، یک مسلمان نماز (نیایش مناسکی روزانه) را صرفاً با گفتن کلمات «الله اکبر» انجام نمی‌دهد، بلکه نماز عملی است که زمان، لباس، سمت و سو و مجموعه‌ای از اعمال بدنی ویژه را ایجاب می‌کند که شامل ایستادن، سجده^۵، اعمال خاص و علاوه بر همه این‌ها، از برخوانی زنجیره‌ای از کلمات خاص است.

هنگامی که دعا به‌عنوان عمل در نظر گرفته می‌شود، ابعاد غیرحساس و غیرخلاقانه که ظاهراً ملازم با کلماتی با روح هستند، محو می‌شوند؛ زیرا عمل نیایش همواره مستلزم آن است که شخص در شرایطی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و روان‌شناختی به نیایش

1. positive divine attributes

2. emotive experience

3. affective qualities

4. performative power

5. prostration

بپردازد. این عناصر بافتاری^۱ که همواره در تحول‌اند، ضرورتاً بخشی از این عمل است. در برخی سنت‌های دعا، مثلاً دعای سرخ‌پوستان ناواهو^۲ در آمریکای شمالی، معلوم شده است که اجزای کلیشه‌ای تشکیل‌دهندهٔ دعا طبق الگوهایی به دنبال هم قرار می‌گیرند و به صورت یک مجموعه با عناصر مناسکی متداول پیوند می‌یابند؛ چنین دعایی مشخصاً بیانگر نیازها و انگیزه‌های صادقانه نسبت به موجود منحصر به فردی است که برای او نیایش می‌شود. در مقایسه با زبان عادی که در آن، کلمات آشنا را می‌توان برحسب مجموعهٔ واحدی از اصول دستور زبان به شیوه‌های نامحدودی مرتب کرد تا سازنده و پر معنا باشد، قطعات نیایش را می‌توان در پیوند با عناصر مناسکی مرتب کرد تا همان توانایی‌های ارتباطی^۳ حاصل شود.

اهمیت قدرت کارکردی عمل نیایش در سنت‌های دینی متعدد را می‌توان این‌گونه بیان کرد که مهم‌ترین نیایش‌ها عبارتند از نیایش‌های بیان شده به زبان خاص، زیربلی یا نیایش‌هایی که به آرامی گفته شده و حتی بدون کلام انجام می‌شود. انواع غیرگفتاری نیایش نظیر آواز، رقص، تقدیم قربانی، اهدای غذا نیز عموماً نیایشی اساسی قلمداد می‌شوند. این گونه‌های غیرگفتاری ممکن است اعمال بشری صمیمانه و خودجوشی تصور شوند که معطوف به جهان مجرد هستند، اما می‌توان آنها را اعمال مذهبی‌ای تصور کرد که انجامشان احساس را در آدمی تقویت می‌کند، شجاعت را زنده نگه می‌دارد و امید را برمی‌انگیزد.

وقتی دعا به عنوان عمل در نظر گرفته شود، گسترهٔ کاملی از ویژگی‌های تأثیرگذار و کارکردهای دینی را می‌توان مشاهده کرد. در اینجا مسئله اساساً این نیست که ثابت شود نیایش، ارتباط با ذات مجرد یا الوهی است و یا حتی کلمات بیان‌شده لزوماً درک شود، بلکه کمابیش برای عنایت به دریافت و ارزیابی قدرت و تأثیرگذاری کنش‌های ارتباطی‌ای است که راه‌های ارتباط انسان و خدا شمرده می‌شوند. همچنین، هنگامی که دعا به عنوان عمل لحاظ می‌شود، اهمیت تمایز میان دعا و سایر کنش‌های گفتار دینی – سرود، سحر^۴ و ورد^۵ – کمتر از هنگامی است که غالباً در سنت‌های دینی خاص یا نظریه‌های راجع به دین، بازشناسی و ارزیابی می‌شود.

1. contextual elements
3. communicative capabilities
5. formula

2. Navajo
4. spell

سنت‌های گوناگون آئین بودا همچنان‌که مقوله‌ها و ابعاد متعدد دین، را ارائه می‌کنند، موارد خوبی را در زمینه بررسی دعا عرضه می‌کنند. از نظر سنت‌های غیرتوحیدی، مانند آیین بودایی تیره‌وده، تلقی دعا به‌عنوان وسیله ارتباط انسان و خدا امکان‌پذیر نیست. با این وصف، تعدادی از انواع کنش‌های گفتار بودایی، مانند قرائت‌های تأمل‌آمیز،^۱ تلاوت کتاب مقدس، ماتراها،^۲ پیمان بودی‌ستوه^۳ مخصوصاً بر حسب بسیاری از کارکردهای آن شباهت‌های خاصی به دعا دارد. عموماً تمایز میان دعا و این گونه‌های گفتاری بودایی به راحتی نادیده گرفته می‌شود و آنها گونه‌هایی از نیایش بودایی در نظر گرفته می‌شوند. به‌طور خاص، درک شباهت‌ها و تفاوت‌های انواع این کنش‌های گفتار بودایی و کارکردهای گوناگون آنها در مقایسه با عمل نیایش سنت‌های توحیدی ارزشمندتر خواهد بود. شباهت‌های آنها نشانگر ماهیت دین و تفاوت‌های آنها نشان‌دهنده تمایز دین بودا در میان سنت‌های دینی است.

دعا به‌عنوان موضوع

در سنت‌های دینی، دعاها نه تنها کلماتی اند که از بر خوانده می‌شوند و اعمالی هستند که انجام داده می‌شوند، بلکه در باره آنها نیز بسیار نوشته‌اند و گفته‌اند. نیایش موضوع نظریه‌ها، الاهیات‌ها، مواعظ، آموزه‌ها، رهنمودهای پارسایانه، شیوه‌های معین عبادت و زندگی و توصیفاتی است که به روش‌های نیایش می‌پردازد. پیشنهاد ما این است که به سبک و سیاق پاره‌ای از رشته‌های دانشگاهی که در بررسی فرآیندهای ارتباط بشری، گونه‌های زبانی را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند، اسم این بُعد از دعا را «فرانیایش»^۴ بگذاریم، و بدین وسیله شیوه‌های نیایش در سنت‌های دینی را بیان کنیم. میزان نوشته‌ها درباره دعا در سنت‌های دینی انبوه است و دامنه آن از تأملات شخصی در باره «شیوه دعا» تا الاهیات و فلسفه‌های نظام‌مند راجع به دعا، در نوسان است. در این نوشته‌ها، دعا به موضوعی تبدیل شده است که به واسطه آن، اصول و ویژگی‌های یک سنت دینی یا شاخه‌ای از یک سنت را بیان می‌کنند.

فرانیایش‌های فراموش‌نشده و مشخص بی‌شماری وجود دارند. نمونه‌های زیر،

1. meditational recitations
3. bodhisattva vows

2. mantras
4. metaprayer

گستره و ویژگی‌های این فرانیایش‌ها را روشن می‌سازد. سقراط و تیمائوس در تیمائوس افلاطون^۱ (۲۷ ق. م)، در بارهٔ ضرورت دعا بحث می‌کنند:

سقراط: و اکنون تیمائوس، شما به گمان من باید بعداً پس از خواندن خدایان آن طور که لازم است، سخن بگویید.

تیمائوس: سقراط، همه انسان‌ها به هر اندازه که احساس اخلاقی داشته باشند، در آغاز هر تلاشی، خواه بزرگ و خواه کوچک، همواره خدا را یاد می‌کنند. و ما نیز که درصدد آنیم که در بارهٔ ماهیت هستی، چگونگی آفرینش آن و چگونگی وجود داشتن بدون خلقت بحث کنیم - اگر این امور تماماً خارج از فهم ما نباشد - باید از خدایان و الهه‌ها کمک بطلبیم و دعا کنیم که سخن ما مخصوصاً برای آنان و در نتیجه برای خود ما پذیرفتنی باشد.

ایمانوئل کانت در دین در محدودهٔ عقل تنها^۲ (۱۷۹۳) دربارهٔ نیایش با خدا می‌گوید که «انسان در این نیایش هیچ چیز جز عزم راسخ برای زندگی نیک نمی‌یابد - جهت‌گیری‌ای که، با توجه به ضعف ما، در بردارندهٔ آرزوی دائم برای عضویت ارزشمند در ملکوت خداست. بنابراین چیزی که خدا ممکن است به حکمت خود ما را از آن محروم کند، واقعاً در دعا طلب نمی‌شود»^۳.

فریدریش شلایرماخر در موعظه‌ای با عنوان «قدرت نیایش»^۴ دعا را با واژه‌هایی آشنا و قاطع توصیف می‌کند: «در واقع تدین انسان با دعا کردن او یکی است». اظهارات فراوان آبراهام جاشوئا هسکل^۵ در بارهٔ دعا قدرت‌بخش و برانگیزاننده هستند. وی در جستجوی انسان برای خدا^۶ می‌نویسد، «موضوع دعا، دعا نیست؛ موضوع دعا خداست». وی در مقاله‌ای با عنوان «در بارهٔ دعا»^۷ می‌نویسد، «ما دعا می‌کنیم برای آن که دعا کنیم... من دعا می‌کنم زیرا نمی‌توانم دعا کنم... ما دعای قدیش^۷ را بر زبان

1. Plato's *Timaeus*2. *Religion within the Limits of Reason Alone*

3. trans. Greene and Hudson, New York, 1960, p.183.

4. "Power of Prayer", in *Selected Sermons*, London, 1890, p.38.

5. Abraham Joshua Heschel

6. *Man's Quest for God*, New York, 1954, P.8.

7. Kaddish

قدیش که در لغت به معنای «تقدیس» است، یک قسم دعای یهودی است که مضمون آن ستایش خدا و تقدیس نام پروردگارا است و در پایان مراسم عبادی کنیسه‌ها به زبان آرامی خوانده می‌شود.

می آوریم: مجلّل و مقدّس باد نام بزرگ او در سراسر جهان که بر اساس اراده خود آفریده است. امید ما تحقق بخشیدن و واقعیت بخشیدن به تقدیس نام او در اینجا و اکنون است.^۱ هسکل در ناامنی آزادی^۲ می نویسد، «زبان‌های نیایش متفاوتند، اما اشک‌ها یکسانند. ما بینشی مشترک در باره او داریم که نیایش‌های همه انسان‌ها در رحمت او به هم می پیوندند».

در سنت‌های دینی غربی، نیایش مسائل سنتی را پیش کشیده است، که راه حل هر یک منطبق با اصول تفسیری است. یک موضوع قابل توجه این است که آیا دعا، به ویژه دعای تضرع آمیز، لازم یا مفید است یا خیر، زیرا تصور بر این است که خدا علیم و مهربان است. توضیح این مسئله بیان روشنی در الاهیات و انسان‌شناسی دارد و تشکیل دهنده اعتقادنامه است. مسئله سنتی دیگر این بوده است که آیا دعا، تک‌گویی، گفت‌وگو یا هیچ کدام است. اگر کسی معتقد باشد که دعا تک‌گویی است، باید روشن سازد که اساساً دعا چگونه دعاست و نه مراقبه^۳ یا تأمل شخصی.^۴ اگر کسی اعتقاد دارد که دعا گفت‌وگو است، باید توضیح دهد که چگونه خدا در عمل ارتباط شرکت می‌کند. الاهیدانان و فیلسوفان سنت‌های غربی دیگر توجه چندانی به دعا مبذول نمی‌دارند، اما با این حال دعا موضوعی مهم در بسیاری از نظام‌های الاهیاتی و فلسفی کلاسیک بوده است.

ویلیام جیمز در انواع تجربه دینی^۵ هنگامی که پاره‌ای از بیانات درباره دعا را مورد توجه قرار می‌دهد، خاطر نشان می‌کند که «نکته اساسی دین آنست که در دعا، نیروی معنوی، که به گونه‌ای دیگر غنوده است، فعال می‌گردد و در واقع نوعی کار معنوی انجام می‌گیرد.» مهانداس کی. گاندی^۶ در هندوستان جوان^۷، شماره ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۵ نوشت:

دعاها اعتراف به ناشایستگی ما یا ضعف ماست. خدا هزار اسم، یعنی بی‌شمار اسم دارد یا به تعبیر دیگر او هیچ اسمی ندارد. ما ممکن است با به کار بردن هر اسمی که ترجیح می‌دهیم، سرودهای نیایش با او را بخوانیم یا با او نیایش کنیم. برخی او را با

1. "on Prayer", *Conservative Judaism*, Fall 170, pp. 3-4.

2. *Insecurity of Freedom*, New York, 1966, p. 180.

3. meditation

4. personal reflection

5. William James, *Varieties of Religious Experience*, New York, 1902.

6. Mohandas K. Gandhi

7. *Young India*

نام راما^۱ می‌شناسند، برخی او را با عنوان کریشنا^۲ می‌شناسند، برخی دیگر او را رحیم می‌نامند و برخی دیگر نیز او را خدا می‌نامند. همه آنان وجود مجرد واحدی را می‌پرستند. اما، درست همان‌گونه که همه غذای واحدی را دوست ندارند، به همین ترتیب همه این نام‌ها در نزد همگان مورد قبول واقع نمی‌شود... این بدان معناست که شخص می‌تواند نه با لب بلکه با قلب خود نیایش کند و آوازهای پرهیزگاران سردهد. به همین دلیل، حتی لال، الکن و احمق می‌تواند نیایش کند.

او در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۲۶ در هندوستان جوان نوشت: «به نظر من دعا، اشتیاق قلب برای همراهی با صانع هستی^۳ و طلب یاری از حمایت اوست. دعا از این نظر رفتاری است که حائز اهمیت است نه کلماتی که بر زبان آورده می‌شود یا زیر لب گفته می‌شود.» آخرین نمونه که برگرفته از داستانی آمریکایی است نه تنها روشن می‌سازد که فرانیایش در انواع گونه‌های ادبیات ظاهر می‌شود بلکه فرانیایش ممکن است حتی کاربرد و کارایی دعا را رد کند. در قطعه ذیل از ماجراهای هاکلبری فین^۴ اثر مارک تواین، هاک دینداری خود را از دینداری دوشیزه واتسون متمایز می‌سازد:

دوشیزه واتسون مرا در صندوق‌خانه گذاشت و به نیایش پرداخت، اما چیزی از آن حاصل نشد، او به من می‌گفت که هر روز نیایش کنم، و هر آنچه که درخواست می‌کنم، به دست خواهم آورد. اما این طور نبود. من آن را آزمایش کردم. یک بار ریسمان ماهیگیری بدست آوردم ولی هیچ قلابی نداشت. من سه یا چهار بار برای بدست آوردن قلاب‌های ماهیگیری سعی کردم اما به یک علتی نمی‌توانستم از آن بهره‌ای ببرم. بعداً، یک روز از دوشیزه واتسون خواستم که برای من آزمایش کند، اما او گفت که من یک احمقم. او هرگز دلیل آن را نگفت و من اصلاً و ابداً نتوانستم از آن سر درآورم.

نتیجه

در بررسی کلی دعا، واژه دعا با مسامحه، انواعی از اعمال بشری را مشخص می‌کند که اساساً کنش‌های گفتاری مرتبط با ادای تکالیف دینی هستند، به ویژه آنها که ارتباط با

1. Rama
3. Maker

2. Krishna
4. *Adventures of Huckleberry Finn*

ذات الوهی یا مجرد شمرده می‌شوند. در صورتی که این واژه بدین نحو به کار رود، تعریف دقیقی نمی‌توان ارائه کرد، زیرا دعا صرفاً طرحی کلی است که می‌تواند محور بررسی تطبیقی و تاریخی دقیق‌تر قرار گیرد. هنگامی این واژه، معنای دقیق و مشخصی به خود می‌گیرد که مانند هر یک از ده‌ها واژه‌ای لحاظ گردد که در سنت‌های دینی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد و در عمل یا آموزه‌های دینی بیان می‌شوند.

تمایزهای سه‌گانه دعا به عنوان متن، عمل و موضوع راه را برای مطالعه عمومی درباره دعا باز کرده و مفید خواهد بود.